روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

شنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۴ • ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ • ۲۰ دسامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۸۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۷:۱۴ • اذان صبح فردا ۵:۴۰ • طلوع آفتاب ۷:۱۰

جشنواره نور در یلدای ایرانی با برنامه‌های شب یلدا، از (۲۵ آذر ۱۴۰۴) آغاز شده و تا (۲۹ آذر ۱۴۰۴) در پارک ملت تهران برگزار می‌شود.
عکس: محمدمهدی پورعرب، ایرنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

رقص و شادی جمعی در برف

در عکسی برفی از ایستگاه هفت توچال، تهران را که نگاه می‌کنی زیر توده‌های فشرده‌ای از ابر پنهان است، درحالی‌که همین دو هفته پیش در چنین عکس‌هایی تهران در میان دود و گردوغبار گم شده بود. شمال شهر تهران برف باریده است. کوه‌ها پس از ماه‌ها با رنگ سفید می‌درخشند. برف و باران درست زمانی به ایران رسیده است که خشک‌سالی داشت جان به لب‌مان می‌کرد و سدهای تأمین‌کننده آب شهرهای بزرگ تهران، مشهد و... می‌خشکیدند. حالا یکی از خبرگزاری‌ها تیتر «توفان نوح» را زده است. از چند هفته پیش مدل‌های هواشناسی نشانه‌هایی از برف و باران در سراسر ایران را در خود داشتند و هواشناسان اینستاگرامی با شور و شوق مخصوص‌شان مژده می‌دادند که ایران زیر برف دفن خواهد شد. پیش‌بینی‌های اغراق‌آمیز آنان رخ نداد، اما باران و برف سراسر ایران را کم‌وبیش در بر گرفت و نه‌تنها چهره دشت، صحرا، جنگل، کوه، روستا و شهرها را عوض کرد، بلکه شبکه‌های اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار داد.

باران سیل‌وار در کیش بیش از همه در شبکه‌های اجتماعی بازتاب داشت؛ زیرا همین چندی‌پیش خشک‌سالی و نیامدن برف و باران در سخنان برخی مقامات روحانی به بی‌حجابی نسبت داده شده بود و هم‌زمان نقدهای تند و تیزی علیه ماراتن کیش به خاطر بی‌حجابی مطرح شده بود. این تناقض به شوخی‌های گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی منجر شده است. اما تصویر برف و باران در شبکه‌های اجتماعی به چنین واکنش‌هایی خلاصه نمی‌شود. درحالی‌که در خبرهای رسمی از تلفات سیل و راه‌بندان‌ها و آسیب‌های برف و باران سنگین هم خبرهایی منتشر شده، شبکه‌های اجتماعی را موجی از شادی در بر گرفته است. این در حالی است که مدت‌هاست شبکه‌های اجتماعی فارسی‌زبان بیش از آنکه پیام‌آور شادی باشند، تصویری تیره و تار و گاه حتی خشونت‌بار از زندگی را ارائه می‌دهند.

در پی بارش‌های گسترده برف در روزهای اخیر، شبکه‌های اجتماعی فارسی‌زبان و نیز برخی رسانه‌های خبری کشور، مملو از ویدئوها و تصاویر شادی، برف‌بازی و بازی‌های خودجوش مردم در شهرها و مناطق مختلف ایران شده است؛ تصاویری که عمدتا توسط کاربران عادی ضبط و منتشر شده و سپس از سوی رسانه‌هایی مثل

ایرنا، ایسنا و... بازنشر شده‌اند. در این تصویرها، در مناطقی همچون شمشک، فشم، لواسان و محله‌های مرتفع شمال تهران، صحنه‌هایی از برف‌بازی گروهی جوانان، حضور فعال کودکان در خیابان‌ها و پارک‌ها و مشارکت زنان در بازی‌ها دیده می‌شود.

در تصویرهای منتشرشده از مشهد و خراسان، بارش باران و برف موجی از شادی جمعی آفریده است. در ویدئویی، گروهی پرتعداد از زنان و کودکان سوار بر پلاستیکی بزرگ خندان در حال سُرخوردن هستند. در تصویری دیگر تعداد زیادی تیوپ به دست از تپه بالا می‌روند و هم‌زمان عده‌ای تیوپ‌سوار بر برف سُر می‌خورند و پایین می‌آیند.

پرتاب گلوله برفی و رقص و شادی در طبیعت و بوستان‌ها و خیابان‌های مشهد و شهرهای دیگر، فضای شبکه‌های اجتماعی را پر کرده است. از خراسان به مناطق جنوبی‌تر برگردیم و به دامنه‌های زاگرس برسیم که شاید زیباترین تصویرهای شبکه‌های اجتماعی باشد؛ آبشارهایی که از کوه‌ها روان شده‌اند، کوه‌های پربرف و شهرها و روستاهای سفیدپوش که خانواده‌ها و جوانان برف‌بازی می‌کنند.

تصویرهایی از سپیدان که یکی از برف‌خیزترین مناطق ایران است، نشان می‌دهد از مناطق اطراف برای بازی آمده‌اند؛ کودکان در حال سُرخوردن هستند و افراد به صورت گروهی آدم‌برفی می‌سازند و مشغول بازی گروهی‌اند.

در ویدئوهای سپیدان، خانواده‌ها نقش اصلی را دارند. کودکان روی شیب‌ها سُر می‌خورند، آدم‌برفی ساخته می‌شود، بزرگ‌ترها کنار بچه‌ها ایستاده‌اند یا وارد بازی می‌شوند. زنان حضور فعالی دارند؛ هم در بازی و هم در گفت‌وگو با دوربین. تصاویر طولانی‌ترند و فضای باز و طبیعی بیشتر دیده می‌شود. برف‌بازی از صبح تا عصر ادامه دارد. در ویدئوهای منتشرشده از مناطق شمالی کشور، کودکان در کوچه‌ها و جلوی خانه‌ها مشغول بازی هستند، گلوله‌های برفی ردوبدل می‌شود و صدای خنده می‌آید. در همان قاب‌ها، رفت‌وآمد روزمره هم جریان دارد؛ کسی راه باز می‌کند، کسی وسیله جابه‌جا می‌کند.

تصویری دیگر منتشر شده و با استقبال روبه‌رو شده است که محیط‌بانان مشغول علوفه‌دادن به حیوانات هستند.

در تصویرهای ارسالی از آذربایجان و اردبیل، دریاچه ارومیه، رودهایی که به سوی دریاچه روان شده‌اند و حجم برف که گاه به ۷۰ سانتی‌متر می‌رسد، پرتعدادند.

رقص با موسیقی ترکی در طبیعت و تراکتورها و بولدوزرهایی که راه‌های برفی را باز می‌کنند، پرتعداد است.

همین حکایت در کوهرنگ و سرچشمه‌های رودخانه‌های بزرگ ایران نیز تکرار می‌شود؛ آدم‌ها در برف ایستاده‌اند و برف تا شانه‌هایشان و کمرشان می‌رسد.

در اصفهان اما برف در نقش جهان تصویر محوری است. خبرهایی که پیش‌تر از اصفهان می‌رسید درباره فرونشست و خشکی زاینده‌رود بود، اما حالا تصویرها از برف‌بازی با زمینه نقش جهان و مسجد شیخ لطف‌الله است و البته زاینده‌رود و پل خواجو و سی‌وسه پل.

در تصویری از بالا، یزد را می‌بینیم با گنبدها و مناره‌ها و خانه‌های بافت قدیمی که برف بر روی آن می‌بارد. شادی در یزد از جنس دیگری است. برف شبیه معجزه است. اما با همه این شادی‌ها نمی‌توان به این نکته اشاره نکرد که زیرساخت‌های مشکل‌دار در شهرها و نقاط مختلف کشور، سبب رنج و سختی بسیاری شده است. سیل و خانه‌هایی که دچار آب‌گرفتگی شده‌اند. از همه مهم‌تر «محمد قربان» نجاتگر هلال‌احمر جهرم که برای نجات کودکان جانش را از دست داد.

سبزخوانی

چه کسانی از آلودگی هوا سود می‌برند؟

سعیدنبی
مستندساز

این روزها آلودگی هوا در برخی کشورهای توسعه‌یافته از یک مسئله صرفا «محیط‌زیستی» به بحرانی تمام‌عیار در حوزه «سلامت عمومی و اعتماد اجتماعی» تبدیل شده است، زیرا عملا ساختارهای سودجو که از چرخه آسیب سلامت عمومی منتفع می‌شدند، تضعیف شده و این جوامع دیگر توضیح‌های تکراری، وعده‌های بی‌ضمانت و گزارش‌های بی‌اثر را نمی‌پذیرند.

ژاپن منطبق بر اسناد یکی از روشن‌ترین نمونه‌هاست. نه به خاطر شدت آلودگی هوا، بلکه به دلیل شیوه مواجهه با تعارض منافع و شکستن قفل‌های حکمرانی از طریق تغییر پارادایم از «آگودگی هوا-محیط زیست به‌عنوان مسئله فنی» به «آلودگی هوا به‌عنوان مسئله حکمرانی و سلامت عمومی».

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، ژاپن با فاجعه زیست‌محیطی مشهور «آلودگی یوکاایچی» روبه‌رو شد. شهری صنعتی که به‌سرعت در حال توسعه بود و پالایشگاه‌های نفت، مجتمع‌های پتروشیمی و نیروگاه‌های بزرگ در آن متمرکز بودند. انتشار گسترده دی‌اکسید گوگرد در برخی سال‌ها و نقاط بیش از ۱۰ برابر استانداردهای ایمنی و ذرات معلق موجی از شکایت‌های مردمی را در پی داشت.

دولت ژاپن با نگاه توسعه‌ای، صنایع و نیروگاه‌ها با بهانه‌های تأمین انرژی برای عموم، اشتغال‌زایی و درآمدزایی برای کشور در ابتدا تمایلی به کاهش انتشار نداشتند و هزینه کنترل آلاینده‌ها سود کوتاه‌مدت آنها را تهدید می‌کرد. پیامدهای سلامت عمومی و تحمیل هزینه درمان به کشور اما سنگین و انکارناپذیر بود، افزایش غیرعادی آسم و بیماری‌های مزمن ریوی، قلبی، رشد معنادار مرگ‌ومیر ناشی از نارسایی‌های تنفسی، تخریب خاک و منابع آب بر اثر باران اسیدی و تجمع فلزات سنگین در زنجیره غذایی انسان و به تبع آن انواع بیماری‌های گوارشی در میناماتا حاصل این دیدگاه سوداگرانه بود.

نقطه شکست زمانی رخ داد که دادگاه وارد صحنه شد. در سال ۱۹۷۲ رأیی تاریخی به نفع شاکیان که ساکنان بودند، صادر شد و شرکت‌ها به پرداخت غرامت ملزم شده، مدیران صنعتی و مسئولان محلی مجبور به استعفا یا برکناری شدند و مفهوم مسئولیت مستقیم آلایندگی شرکتی-صنعتی تثبیت شد.

این حکم قضائی، نقش دولت به‌عنوان ناظر ناکام را زیر سؤال برد و پیامد آن، پایش و ایجاد نهاد تنظیم‌گر مستقل بود و تصویب قوانین با پایه کنترل آلودگی، اجرای نظام کنترل کل انتشار و الزام صنایع به پایش مستمر آلاینده‌ها. از اوایل دهه ۱۹۷۰ در کمتر از یک دهه شاخص‌های سلامت تنفسی بهبود یافت و مرگ‌ومیرهای مرتبط با آلودگی هوا روند نزولی گرفت.

طبق اسناد علمی موجود در اندونزی، تجربه جاکارتا نیز همین دیالکتیک میان قدرت، بحران و دادگاه را نشان می‌دهد، هرچند با مسیری پرنوسان‌تر. جاکارتا سال‌ها یکی از آلوده‌ترین وضعیت هوای جنوب شرق آسیا را ناشی از کارکرد موتورهای دیزلی، سوخت‌های فسیلی و فعالیت‌های صنعتی تجربه کرده است.

شهرداری و صنایع به دلیل تعارض منافع اقتصادی تمایل به تغییر رویه نداشتند. نقطه عطف در سپتامبر ۲۰۲۱ رخ داد، دادگاه مرکزی جاکارتا مقامات عالی‌رتبه را به قصور در کنترل آلودگی هوا که منجر به افزایش بیماری‌های تنفسی و مرگ زودرس در میان کودکان و سالمندان شده بود، محکوم و آنها را ملزم به تدوین استانداردهای ملی و افشای داده‌ها کرد. این حکم، برای نخستین بار مسیر را از «محیط زیست به‌عنوان مسئله فنی» به «آلودگی هوا به‌عنوان مسئله حکمرانی و سلامت عمومی» تغییر داد. هرچند اصلاحات پس از آن همچنان نیم‌بند باقی ماند.

چین براساس داده‌های معتبر علمی مسیر سومی را پیمود. کشوری که آلودگی هوا در آن به «هوای مرگ» شهرت یافت. ذرات معلق ریز و اکسیدهای نیتروژن ناشی از زغال سنگ، نیروگاه‌ها، صنایع سنگین و حمل‌ونقل، سالانه میلیون ها مرگ زودرس و فشار عظیم بر نظام سلامت ایجاد کردند. دولت چین از سال ۲۰۱۳ با اتکا به قدرت اجرائی متمرکز، برنامه‌های گسترده کاهش انتشار را اجرا کرد و در بسیاری از کلان‌شهرها کاهش معنادار آلاینده‌ها ثبت شد.

با این حال، این موفقیت عددی که بدون تضمین حق سلامت عمومی با سازوکار قضائی مستقل و نبود پاسخ‌گویی مدیران حاصل شد، در نوسان است، چراکه فرمان‌ها اجرا شد، اما تعارض منافع ساختاری باقی ماند و شفافیت داده‌ها محدود بود. تجربه چین نشان داد که به‌کارگیری فناوری و مقررات فنی برای کاهش آماری آلودگی هوا فقط مُسکن است.

در ایران در همان روزهایی که تهران آلوده‌ترین شهر جهان شد و دکتر مسعود پزشکیان گفت «فکر کنید اینجا ژاپن است و مشکلات را حل کنید»، سازمان محیط زیست شهامت به خرج داد و در انجام یکی از تکالیف خود در قانون هوای پاک، گزارش آلودگی هوای آذرماه ۱۴۰۴ را شفاف اعلام کرد، هرچند روشن نیست آیا تا به امروز این گزارش به مراجع ذی‌صلاح قضائی و نظارتی مانند سازمان بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری و کمیسیون اصل ۹۰ مجلس ارجاع داده شده یا نه!

به هر حال صورت‌مسئله روشن است؛ انتخاب بین گزینه «آلودگی هوا-محیط زیست» یا «آلودگی هوا-سلامت عمومی»؟ اگر قرار است مثل ژاپن باشیم، آقای رئیس‌جمهور! بسم الله، یا علی گفتیم و عشق آغاز شد.

۱۱۰۰ مظنون

در عملیات بی‌سابقه بین‌المللی با همکاری ۱۳۴ کشور، نزدیک به ۳۰ هزار حیوان زنده و محصولات جنگلی قاچاق توقیف و هزارو ۱۰۰ مظنون شناسایی شدند که رکوردی در حفاظت از گونه‌های جانوری و گیاهی به ثبت رسانده است. در مجموع چهارهزارو ۶۴۰ مورد توقیف انجام شد که این کشفیات شامل ده‌ها هزار نمونه از جانوران و گیاهان حفاظت‌شده، ده‌ها هزار مترمکعب چوب حاصل از قطع غیرقانونی درختان و بیش از ۳۰ تُن گونه در معرض خطر انقراض بود.

۶ میلیارد دلار

فارس: علیرضا گچ‌پززاده، معاون ارزی بانک مرکزی، اعلام کرد طبق بررسی‌های انجام‌شده «حدود ۹۰۰ کارت بازرگانی اجاره‌ای» ثبت شده است که بیش از ۱۵ میلیارد دلار ارز را به چرخه رسمی برنگردانده‌اند. برخی افراد برای اینکه ارز را برنگردانند از «کارت‌هایی به نام افراد بی‌بضاعت استفاده می‌کنند» و پس از پایان مهلت اعتبار، کارت را دور می‌اندازند. به گفته او «۱۵ نفر از این افراد به‌تنهایی حدود ۶ میلیارد دلار تعهد ارزی دارند».

طنزخوانی

این کافه چیه جدیدا مد شده؟

آیدین سیارسریع

شنیدیم سعید جلیلی که مثل دوره‌های گذشته در تعطیلات بین‌الانتخاباتین به سر می‌برد، صحبت‌هایی راجع به کافه‌رفتن جوان‌ها کرده و گفته غرب می‌خواهد با رواج کافه، خانواده را هدف قرار دهد. بنده از همین الان خطم را مشخص کنم و بگویم سعید جان من کاملا با شما همدلم. من هم نمی‌فهمم این کافه چیه مد شده. اصلا منطقش چیه؟ یک‌سری جوان پول می‌دهند که ساعت‌ها بنشینند پشت میز. این شد کار؟ شما با این شایستگی، با این درک زیبا از جامعه، با آن همه برنامه اقتصادی از سال ۹۲ یک میز پیدا نمی‌کنی بنشینی پشتش. آن وقت جوان مملکت برای خودش راحت می‌نشیند پشت میز، دو کیلو پشم و پیل را از زیر شلوارک می‌اندازد بیرون و بدون هیچ ملاحظه‌ای ماچا می‌خورد. من نمی‌دانم چقدر پایت به این کافه‌ها باز شده سعید جان ولی فاجعه به اینجا ختم نمی‌شود. سربسته و در گوشی بگم خدمتت که گاهی پیش می‌آید جوان پا را فراتر می‌گذارد و با بقیه جوان‌ها دور هم جمع می‌شوند. بعد به جای اینکه از این فرصت استفاده کنند، بگویند حالا که جمع شده‌ایم یک مخالفتی هم با برجام بکنیم، دو کیلو سبزی بکاریم صادر کنیم روسیه، یک فحشی به ظریف و روحانی بدهیم و یک قدمی برای مملکتمان برداریم، دور میز می‌نشینند مافیا بازی می‌کنند. یک نفر (معمولا نفوذی دولت) می‌ایستد جلوی جمعیت و می‌گوید چشمانتان را روی مشکلات ببندید. فرصت‌ها را نبینید. مذاکره کنید. جوان هم ساده، وارد بازی می‌شود. یکی هم نیست به جوان بگوید این‌قدر وارد بازی این و آن نشو. به جای اینکه توی این کافه‌ها صدهزارتومن پول بی‌زبان را بدهی برای چای کیسه‌ای، برو در کانون گرم خانواده‌ات بشین، با الگوبرداری از این فعالان اقتصادی زحمت‌کشی که در کشور هستند مافیای خانوادگی خودت را درست کن. سعید جان ببخش پرگویی می‌کنم اما دلم پر است. شما اندازه من کافه نمی‌نشینی و از عمق فاجعه بی‌خبری. بی‌انصاف‌ها جلوی چشم آدم تشکیل خانواده می‌دهند. هرچه می‌گوییم بابا کافه فضای ضد خانوادگی است، نکنید این کارها را. لج می‌کنند و دفعه بعدی خانواده‌ها را می‌آورند برای آشنایی. غرض اینکه فقط جوان‌ها مقصر نیستند این وسط. خود خانواده‌ها هم فریب خورده‌اند. چه بگوییم دیگر؟ شکایت به کجا ببریم سعید جان؟ البته ببخش من سعید جان صدایت می‌زنم. چون با شما همدلم احساس صمیمیت می‌کنم. نمی‌دانم چه کار باید کرد. حرف هم می‌زنیم سریع گارد می‌گیرند که با جوان‌ها چه کار دارید؟ مگر جوان بدبخت با دلار ۱۳۰ تومانی چه دلخوشی دیگری دارد؟ عمق راهبردی حرف آدم را متوجه نمی‌شوند. قضایا را سطحی می‌بینند. ان‌شاءالله خودت انتخابات بعدی فرمان را دست می‌گیری، با پرایدت می‌افتی دنبال هرکسی که قصد کافه‌رفتن دارد، بساط اینها را جمع می‌کنی. این آهنگ تولد اندی را هم اگر قول بدهی ممنوع کنی، من خودم در انتخابات بعدی صد نفر را پای صندوق می‌کشانم. زیاده عرضی نیست. مراقب مهربونیات باش. قربانت و سپاسگزار.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

نکته‌خوانی

فراخوان‌های فراموش‌شده

خسرو کیانی: در ماه‌های اخیر، سازمان زیباسازی شهرداری ده‌ها فراخوان برای ساخت مجسمه و المان‌های شهری منتشر کرده، اما هنوز هیچ‌یک از نتایج این فراخوان‌ها به‌صورت رسمی و شفاف اعلام نشده است. این سکوت طولانی پرسش‌هایی جدی را در میان هنرمندان و افکار عمومی ایجاد کرده است: اگر این فراخوان‌ها واقعی و مؤثرند، آثار برگزیده کدام‌اند و چرا هیچ گزارشی منتشر نمی‌شود؟ در کنار این ابهام، روند تولید و نصب آثار شهری همچنان توسط گروه محدودی از مجریان ادامه دارد؛ موضوعی که شائبه استفاده نمایشی از فراخوان‌ها و سپردن امور به مسیرهای غیرشفاف را تقویت می‌کند. چنین وضعیتی نه‌تنها اعتماد هنرمندان را تضعیف کرده، بلکه پرسش‌هایی درباره نحوه تخصیص بودجه، معیارهای انتخاب آثار و تکرار نام‌های ثابت در پروژه‌های شهری برانگیخته است. هم‌زمان، در سطح شهر آثاری نصب می‌شود که از نظر فنی و کیفی محل بحث‌اند؛ آثاری که گاه بیش از یک مجسمه تکمیل‌شده، به خروجی تستیِ پرینتر سه‌بعدی شباهت دارند مانند نمونه‌های بحث‌برانگیزی که در میدان انقلاب دیده شد. طبیعی است که چنین مصادیقی این پرسش را ایجاد کند که این آثار دقیقا چگونه، در کدام فراخوان و با چه استانداردی انتخاب شده‌اند. کاهش چشمگیر تعداد شرکت‌کنندگان در فراخوان‌های اخیر نیز نشانه‌ای روشن از کاهش اعتماد جامعه هنری است؛ روندی که نمی‌توان آن را اتفاقی دانست. بسیاری از هنرمندان صریحا می‌گویند وقتی نتایج اعلام نمی‌شود و روندها شفاف نیست، شرکت در چنین فراخوان‌هایی تنها به معنای تأیید یک روند ظاهرسازانه است و نه مشارکت در یک فرایند حرفه‌ای. بااین‌حال، هنرمندانی هستند که همچنان با امید و از سر مسئولیت‌پذیری نسبت به فضای فرهنگی شهر در این فراخوان‌ها شرکت می‌کنند؛ امیدی که تنها زمانی معنا خواهد داشت که شهرداری پاسخ‌گوی افکار عمومی باشد و در برابر هزینه‌هایی که از بودجه شهر صرف آثار شهری می‌شود، گزارش‌های دقیق، نتایج رسمی و معیارهای روشن انتخاب ارائه کند. شفافیت نه امتیاز، بلکه حق مسلم شهروندان و هنرمندان است و تا زمانی که این حق رعایت نشود، پرسش‌ها همچنان پابرجا خواهد ماند.

پیشخوان

نگاه نو ۳۵ ساله شد

نگاه نو شماره ۱۴۷، مانند شماره‌های پیشین، زودتر از زمان مقرر منتشر شد. با انتشار این شماره، نگاه نو سی‌وپنجمین سال انتشارش را آغاز کرد. این شماره با یادداشتی از سردبیر درباره وضعیت محیط زیست و منابع طبیعی و اشاره‌ای به چند نارسایی دیگر آغاز می‌شود. در بخش مقاله‌های این شماره مقاله‌هایی از طهماسب مظاهری، مصطفی ملکیان، علی معظمی، آرزو رسولی (طالقانی)، محمدحسین خسروپناه، نادر انتخابی، علیرضا منافزاده، وکرامت‌الله راسخ را می‌خوانید. مقاله دکتر طهماسب مظاهری با عنوان «اقتصاد امروز ایران» بیانگر نکته‌های کلیدی و اساسی مربوط به وضعیت کنونی اقتصاد ایران و علت‌های بحران‌هایی است که در عرصه‌های نظام مالی و بودجه‌های دولت، سیستم بانکی و پولی، و بازار سرمایه دامن‌گیر اقتصاد ایران شده و چند راه‌حل که نویسنده برای برون‌رفت از این وضعیت بحرانی ارائه داده است. بخش ویژه این شماره به «جایزه‌های نوبل ادبیات و صلح و اقتصاد ۲۰۲۵» اختصاص داده شده. ترجمه‌های گفت‌وگوهایی با لاسلو کراسنا هورکایی، نویسنده مجار، برنده جایزه نوبل ادبیات، و گفت‌وگوهایی با ماریا کورینا ماچادو، کنشگر و فعال سیاسی ونزوئلایی، برنده جایزه نوبل صلح که در کمال حیرت جهانیان دونالد ترامپ را شایسته دریافت این جایزه اعلام کرد، و بعدا روشن شد روابط نزدیکی با حزب لیکود و نتانیاهو دارد، و دو مقاله درباره ماچادو و هورکایی و داستان کوتاهی از هورکایی به ترجمه وازریک درساهاکیان و مقاله‌ای از امیرحسین توکلی درباره جایزه نوبل اقتصاد که سه برنده داشت و سهم اصلی این جایزه یک میلیون‌دلاری به جو موکیر رسید. مقاله توکلی عمدتا درباره اندیشه‌ها و نوآوری‌های موکیر است.